

صورت مشروح

مذاکرات مجلس

(بدون مذاکرات اول از دستور)

شنبه ۲۴ آذرماه ۱۳۱۳ - ۷ رمضان ۱۳۵۳

شماره مسلسل : ۷۵۱

قیمت اشتراک } سالانه : ۱۰۰ ریال
داخله : ۷۵ ریال
فک شماره : دو ریال

مطبوعه مجلس

مذاکرات مجلس

صورت مشروح مجلس شنبه ۲۴ آذر ماه ۱۳۱۳ هـ (۷ رمضان ۱۳۵۲)

فهرست مذاکرات

- ۱ (تصویب صورت مجلس)
- ۲ (تصویب لایحه اصلاح قانون مالیات بر عایدات)
- ۳ (تصویب اتمام مالیات ارضی و برقراری مالیات قری از عایدات)
- ۴ (موافق و دستور جلسه بعد - ختم جلسه)
- ۵ (شور اول خبر راجع قرار داد بین المللی اتومبیل رانی)

(مجلس هشت ساعت و نیم بعد از ظهر بریاست آقای دادگر تشکیل گردید)

صورت مجلس روز سه شنبه ۲۵ آذر ماه را آقای مؤید احمدی (منشی) قرائت نمودند

۱ - تصویب صورت مجلس

رئیس - در صورت مجلس نظری نیست ؛ (گفته شد -)

خبر (صورت مجلس تصویب شد .)

۲ - شور اولی و تصویب لایحه اتمام مالیات ارضی

رئیس - خبر از کمیسیون قوانین مالیه راجع به اتمام مالیات

ارضی شود دوم :

خبر کمیسیون

کمیسیون قوانین مالیه در جلسه بیستم آذر ماه ۱۳۱۳ لایحه نمره ۳۵۵۹۵ دولت راجع به اتمام مالیات ارضی را با حضور آقای وزیر مالیه برای شور اولی تحت مطالعه قرار داده و با در نظر گرفتن پیشنهاد آقای آقایان نمایندگان محترم مواد ذیل را تنظیم نموده اینک

خبر آنرا برای تصویب مجلس مقدس تقدیم وینماید :

ماده ۱ - از تاریخ اجرای این قانون مالیات ارضی و دو باب مالی و بجای آن پرتویب مقرر در مواد (۲) و (۳) مالیات از عایدات گرفته میشود .

رئیس - آقای امیر قیومور .

امیر قیومور - بنده در شور اول پیشنهادی تقدیم کردم که بعد از لفظ دوایب انعام واحشام هم اضافه شود اگر چه عبارت ماده صراحت دارد و مشمول انعام واحشام هم هست و همین لفظ دوایب شامل انعام واحشام هم میشود و لغو خواهد شد ولی خواستم بدانم که آقای وزیر مالیه هم موافقت میفرمایند با انعام واحشام که در

فلا عن مذاکرات مشروح یکصد و چهاردهمین جلسه از دوره نهم تقنینیه (مطابق قانون ۸ آذر ماه ۱۳۰۵)

دائرة نشر نویسی و تحریر صورت مجلس

تذکره نسایی غائبین جلسه گذشته که ضمن صورت مجلس خوانده شده :

- غائبین بی اجازه - آقایان امیر ابراهیمی - اعظم زکوه - استعدیاری - اعلی خونی - دکتراندم - وکیبی - روسی آقارعلی زاده
- کوری - مدنی - پور سررئیسی
- دیر آمدگان بی اجازه - آقایان - اسدی - بقوانی - مرتضی قیچن بیات - مسعود لاهی - حاج تقی آقارعلی زاده - نوبخت شریعت زاده - فرماگوزلو .

قانون ذکر شود .

وزیر مالیه (آقای داور) .. دلیل همان است که خود نماینده محترم فرمودند توضیح واضح بود و قیقه ما میبویسم مالیات دواب ملعی است اتمام واحشام هم جزء آن است .

رئیس - آقای ملک مدنی .

ملک مدنی - موافقم .

رئیس - اشکالی نیست آقای افتخار .

الهدار - غرض از الغاء مالیات ارضی این بود که مطابق قانون مالیات املاک ارضی و دواب علاوه بر مالیات ارضی و دواب بعضی چیزهای دیگر هم آجا بود که بایستی لغو شود از قبیل مالیات طواحین و قنات و چشمه سارها و این قسمت در این لایحه فقط منظور نوشته شده از تاریخ اجرای این قانون مالیات ارضی و دواب ملعی و بجای آن تزیب مقرر در مواد ۳۰۲ مالیات از عایدات گرفته میشود . بنده پیشنهاد کرده بودم که منظور نوشته شود ماده اول از تاریخ اجرای این قانون مالیاتهای که مطابق قانون املاک ارضی و دواب گرفته می شد چون در ضمن آن قانون اسی از چشمه سارها و طواحین و قنات برداشته بود بنده منظور پیشنهاد کردم که هر چه در آقا قانون است ملعی و بجای آن تزیب مقرر در مواد ۲ و ۳ مالیات از عایدات گرفته شود . متأسفانه در کمیسیون باین پیشنهاد بنده توجهی نکرده است بنظر بنده اگر بخواهیم مالیات قنات و طواحین و چشمه سارها هم الغاء شود مطابق پیشنهاد بنده باید ماده اول اصلاح شود .

مخبر (مخبر کمیسیون قوانین مالیه) - بنده قبل از اینکه جواب آقای افتخار را عرض کرده باشم میخواستم نظریات خودم را هم راجع بالغاء قانون مالیات ارضی برض آقایان برسانم . قانون الغاء مالیات ارضی بطوریکه اهمیت داشته و دارد بنظر بنده اهمیت آن گفته نشده و بنفیده بنده بهتر این بود که اهمیتی که این قانون دارد و تأخیری که این قانون در زندگی مردم خواهد کرد و این اقدام آقای وزیر مالیه راجع به الغاء مالیات ارضی و اقدام دیگری هم که

این بود که وقتی بکفالتی ملعی میشود (افتخار - این جا نوشته آن قانون ملعی میشود) از امشب دیگر قانون مالیات ارضی که ما داشتیم از بین میرود اصل که برود فروع آن البته قابل دوام نیست که بگوئیم طواحین هم بوده است و بکچیزهای جزئی از قبیل چشمه سار ها و قنات که هست باقی میماند البته یک تذکری بود که فرمودند که و اینکه آقا قانون لغو میشود دیگر آثاری از آقا قانون باقی نخواهد بود .

رئیس - آقای دکتر طاهری .

دکتر طاهری - بنده میخواستم عرض کنم که مقصود از الغاء این قانون این است که مالیات ارضی با همه توابع و لواحق از قبیل مباح و قنات همه ملعی می شود لیکن عبارت طوری است که فقط مالیات ارضی را نوشته اند خواستیم آقای وزیر مالیه اینجا توضیح بدعند که در مجلس سندیت داشته باشد یا یک کلمه قانون بود از این قانون اضافه شود یعنی منظور نوشته شود که از تاریخ اجرای این قانون قانون مالیات ارضی و دواب ملعی میشود و این بهتر است زیرا که آب در همه جا جداسی و زمین جداسی و باید تصریح شود .

وزیر مالیه - بنده نمیخواهم در یک مسئله که در اساس ابداً تغییری نمیدهد حرفی بزنم دفته پیش آقایان گفتند و بنده توضیح دادم و حالا حق دارم که تعجب کنم که یک مسئله که در مجلس توضیح داده شده مجدداً این جا مطرح میشود حالا با وجود این اگر آقا باز دلشان میخواهد که یک قانون هم بعد از این کلمه قانون اضافه شود بسیار خوب بنویسید که قانون مالیات ارضی و دواب ملعی میشود . (صحیح است) .

رئیس - آقای دکتر طاهری پیشنهادتان را بنویسید آقای طباطبائی بروجردی .

طباطبائی بروجردی - عرض کنم مسلم است این لایحه را که آورده اند برای الغاء مالیات ارضی است و اشکالی ندارد ولی نظر باطلاعی که ما از انشاء مالیه و لایحه داریم و حضرت اشرف آقای وزیر مالیه را هم بنده دلاور زمین اشخاص میدانم بجهت اینکه تمام جهات را در نظر گرفته اند ولی البته الغاء بکچیز مالیاتی که اینقدر جوانب و اطراف و شعب داشته است باید زیاد

در اطرافش توضیح داده شود و کاملاً واضح کند البته آنرا مثلاً میخواستم عرض کنم راجع به آبیاریها که جزء مالیات ارضی بوده است بنده در اکثر شهر ها دیده ام که بنوان آزادی بکچیزی میگرفتند و این در حقیقت جزء مالیات ارضی بوده است و حال آن که آنوقت که میگرفتند صریح قانون بود ولی میگرفتند حالا از کجا بتوانیم ثابت کنیم که این مالیه شامل آن مالیاتهای هم میشود که در ضمن مالیات ارضی از آب میگرفتند اگر میفرمائید که شامل آنها هم میشود باید شامل میشود همه متشکریم .

وزیر مالیه - در هر صورت بنده تصور میکنم که باید عبارت هم تغییر کند و توضیح واضحی بشود و ممکن است عبارت ماده را باین ترتیب اصلاح کرد که (قانون مالیات ارضی و دواب از تاریخ اجرای این قانون ملعی و بجای آن تزیب مقرر در مواد ۳۰۲ مالیات بر عایدات گرفته میشود) .

رئیس - پیشنهاد آقای دکتر طاهری قرائت میشود .

مقام منبع ریاست دامت عظمته . پیشنهاد می شود کلمه قانون قبل از مالیات ارضی اضافه شود .

رئیس - آقای دکتر طاهری .

دکتر طاهری - بنده با اصلاحی که خود آقای وزیر مالیه حالا کردند که هم کلمه قانون اضافه میشود و هم دو کلمه قانون ردیف هم واقع نمیشود بنده با همان طور که فرمودند موافق هستم که عبارت اینطور باشد که قانون مالیات ارضی و دواب از تاریخ اجرای این قانون ملعی میشود .

رئیس - ماده را باین اصلاحی که آقای وزیر مالیه فرمودند دوباره میخوانیم :

ماده اول - قانون مالیات ارضی و دواب از تاریخ اجرای این قانون ملعی و بجای آن تزیب مقرر در مواد ۳۰۲ مالیات از عایدات گرفته میشود .

رئیس - نظر آقای مخبر ؟

مخبر - موافقم .

رئیس - آقایانیکه با ماده اول با اصلاحی که شد

موافقت دارند قیام فرمایند .

(اغل قیام نمودند)

رئیس - خوب شد . ماده دوم قرائت میشود :
ماده ۲ - مالیات از عایدات مذکور در ماده فوق
پنجمی که محصولات ارضی و حیوانات و مواد
حیوانی داخله برای مصرف بشرها یا قصابان وارد
و یا از مملکت صادر میشود وصول و از قرار سه درصد
قیمت جنسی خواهد بود که وارد شهر یا قصبه و یا
از مملکت خارج میگردد هر جنسی فقط یکمرتبه مالیات
خواهد پرداخت .

رئیس - آقای دیا .

طباطبائی دیبا - در این ماده بنده يك توضیح میخواستم
آقای وزیر مالیه در مجلس بدهند و آن این است که
بکسب محصولات ارضی است که حقیقه جدید الاحداث
است مثل چغندر قند که در موقع مبرزی بوده است
و مالیات هم نداشته است ولی چغندر قندی که حالا
پیدا شده است وارد میشود یا بکارخانه کرج یا کهریزک
یا درآمین کرج ظاهراً قصبه باشد ولی کهریزک و
کارخانه قند درآمین قصبه نیست حالا بنده نمی دانم
اینهارا وقتی که میخواهند تحویل بدهند مالیات گرفته
می شود یا نه . بنده عقیده ام این است که نباید چیزی
گرفته شود چرا ؟ برای اینکه از قندی که از چغندر
ساخته می شود موقع ورود به شهر یا قصبه مالیات
گرفته میشود پس در اینصورت نباید از چغندر مالیات
گرفت این است که میخواستم توضیحی در این باب
بدهند و عقیده بنده این است که دو قسم مالیات نباید
گرفت یکی از قند و یکی از چغندر زیرا که از قند
در موقع ورود بقصابان و شهرها مالیات خواهند گرفت
و از چغندر باید گرفته شود .

وزیر مالیه - بنده گمان میکنم که اشتباه میکنم
است که تعجب بعد از تعجب برآیم حاصل شود . آقای
نماینده محترم بفرمایند از چغندر نباید مالیات گرفت
چرا ؟ بدو دلیل اول اینکه مالیات نپرداده و دوم
اینکه قند وقتی وارد شهر میشود ارزش مالیات بگیرند
اولاً راجع بدلیل اول اشاره میکنند به آن ماده از
قانون مالیات املاک اربابی و دواب که از برای چند

سال اولی که کسی چغندر بدهد می آورد از مالیات
معاف است بنده کاری ندارم اینکه عرض کنم چغندر
این کار بی منطقی بود و بپسندید بود این ماده قانون
مادام که کارخانه قند نبود در ۱۳۰۴ کسی به واسطه
پرداختن مالیات نمی آمد چغندر قند بکارد و دست
کند و آن روزی که کارخانه آمد وقتی که خوب پول
دادند مردم چغندرو البته خوب تولید خواهند کرد
برای اینکه محصول خود را خوب بفروش بفرستند و
این کار ابتدا منطقی نداشت ولی حالا این کار شده
بود و بگفتنی این محصول از مالیات معاف بود يك
مدت هم از آن گذشته است چند سال هم هست که
چغندر بکارند حالا چرا باید گرفت از اینها از این
محصولی که مثل گندم مثل سایر محصولات ارضی
دارای يك مشتری خیلی فرص و محکمی است مثل
کارخانه قند و بهتر از سایر محصولات است علت اینکه
نباید از این محصول مالیات گرفت چیست می فرمائید
فقط برای اینکه وقتی قند وارد شهر میشود ارزش
مالیات بگیرند ؟ مالیات ارضی را ارزش نمیگیریم اگر باندیه
ها چیزی بگیرند هیچ دلیل و منطقی ندارد که ما
بک محصولی را که روز بروز در این مملکت توسعه
پیدا خواهد کرد و قیمت خوبی هم حتی در بعضی
مواقع هم بیش از آن قیمتی که دارد بخرند و همین
جهت قند گران تمام میشود آنوقت ما بپاییم آفرایند
مالیات معاف کنیم .

رئیس - آقای ملک مدنی .

ملک مدنی - بنده يك توضیح میخواستم . این
را عرض کنم در کمیسیون هم عرض کردم راجع
باین که تشخیص قصابان که در اینصورت ذکر شده است
با کجا است گمان میکنم خود حضرتعالی هم تصدیق
دارید که این تشخیص و تعیین قصابان طوری نباید
باشد که در عمل تولید اشکال کند این قضایا ممکن
است عملاً يك اشکالی نتواند کند . خواستم بگویم
چه نظری برای تعریف قصبه در نظر گرفته اند که در
عمل هم مأمورین مالیه بسبب زحمت مردم نشوند و
همان تعریف مأخذ عمل واقع شود .

وزیر مالیه - راجع بقصبه عرض کردم آنطوری
که در خاطر هم سوردنی از قصابان گویا از وزارت
داخله گذشته باشد و اگر باشد که بخواهیم اضافه
کنیم یعنی يك جاهائی باشد که بعد قصبه بشود خیلی
سهل است که يك جاهائی صورت قصبه پیدا کند خیلی
ممکن است این را البته می آوریم و بر آن صورت
می افزاییم یعنی به آن کمیسیون که آنصورت را تعیین
کرده ارائه میدهم و اضافه خواهیم کرد ولی ضمناً
عرض کنم بنده وقتی آقا حرف میزدند يك مطلبی را
شنیدم که گفتند مأمورین مالیه را از شان ملاحظه میکنیم
و می ترسیم که مبادا بپایند بکجائی که دعاست آنجا را
قصبه بگیرند نماینده محترم دقیق تر از این هستند که
بپایند این فکر را بکنند در صورتیکه دستور کلی را
وزارت مالیه میدهد آنوقت مثل بیجهت بل آن سبب
است که گریه میکرد گفت چرا گریه میکنی و از
که مبرسی من این جا هستم در صورتیکه از خود او
بترسید حالا هم مگر اینکه شما از خود وزارت مالیه
بترسید و البته مأمور مالیه نمی آید برخلاف نظر وزارت
مالیه يك دهی را قصبه حساب کند ولی خیر این کار
نخواهد شد وزارت مالیه دستور میدهد و هر وقت که
بخواهیم بکجائی را اضافه کنیم صورت خواهد آمد
بکمیسیون و در جایی که قانون گذشته است اضافه
خواهد شد .

بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

المر - بنده توضیحی لازم داشتم .

رئیس - بفرمایید چرا کافی نیست ؟

مخبر - پیشنهاد بفرمایید .

رئیس - بفرمایید .

المر - عرض کنم که عبارت این است که
مالیات از عایدات در ماده فوق پنجمی که محصولات
ارضی و حیوانات و مواد حیوانی داخله . این حیوانی
که اینجا نوشته شده وقتی که مواد حیوانی وارد شهرها
و قصابان میشود از همانی عبارت وصفه ورود محصول
است ولی ظاهراً عبارت این است که محصولات داخله
باید این مالیات را بدهند اگر اینطور است پس چیزهایی
که از خارجه وارد میشود مثل روغن که زاقاقان

می آید آنها نباید مالیات بدهند (بعضی از نمایندگان -
آن کمربند میدهد) مقصود بنده توضیح است میخواهم
بدانم که بگیرند یا نگیرند اگر بگیرند که بگویند
دوم میشود برای مصرف چون قند کرده است این
است که اگر يك کسی خواست بکجنسی بیاورد و
بگوید که برای مصرف نمی آورم و مصرف نمی کنم
ازش مالیات نمی گیرند ؟ اگر اینطور است که توضیحی
بفرمایند که فردا مأمورین جزء با مردم گرفتار نشوند
هر چیزی که بفرمایند بنده موافقم نمیخواهم مخالفت
کنم ولی میخواستم توضیحی بفرمایند .

وزیر مالیه - دو مطلب فرمودند یکی این بود

که آیا این محصولات ارضی و حیوانی آنچه که در
داخله تهیه میشود گرفته میشود یا اینکه اگر مواد ارضی
از خارجه هم باشد گرفته میشود عرض میکنم داخله
است چون این قانون و این مالیات قائم مقام مالیات
ارضی شده است و دوم اینکه برای مصرف باشد ماصلاً
را در این قرار میدهم که وقتی وارد شهر میشود
برای مصرف است و الا اگر بخواهیم بدانیم که در هر
موردی که يك جنسی آمده است بخواهیم نجسس
کنیم که مصرف شده است یا خیر اینکه معنی نخواهد
داشت اینکار عملی نخواهد بود البته وقتی که وارد
شهر میشود برای مصرف است .

رئیس - حالا کافی است ؟ (اظهار شد - کافی

است) آقایانیکه بمانده دوم موافقت دارند قیام فرمایند .

(اکثر قیام نمودند)

رئیس - خوب شد . ماده سوم قرائت میشود :

ماده ۳ - تعرفه مالیات اجناس مصرفه داخلی مشمول
این قانون بر اساس سه درصد قیمت به تناسب وزن
یا تعداد و بطور مقطوع برای هر سال تعیین میگردد .
تا اول اسفند هر سال تعرفه سال بعد بتصویب هیئت
وزراء رسیده و اعلان خواهد شد مالیات اجناس صدوری
بروز اول قمر گرفته میشود .

نظارتان اجرایی مواد فوق بتصویب هیئت دوات خواهد

رسید .

رئیس - آقای ملک مدنی .

ماله مدنی - بنده میخواستم بگویم بفرماید.
 حسن جریان وزارتنامه مخصوصاً طوری است که بتیاده
 بنده هیچکس در وضیعت خوبی که در آنجا پیدا
 شده است تردید ندارد این را محض تعارف بنده میخواهم
 عرض کنم چیزی است که مشهود و محسوس است
 این عرضی که بنده کردم برای این بود که توضیحی
 حضرتعالی داده باشید بنده نظرم این بود که مأمورین
 ماله پک سه روز رفتاری دارند بنده از اشخاصی هستم
 که مشاهده کرده‌ام که مأمورین ماله خوب کار میکنند
 و زحمتی هم بمرم دارند و علت هم فقط مواظبتی است
 که خود حضرتعالی بحسن جریان دارید این توضیحی
 بود که عرض کردم اما قسمتی که توضیح می خواستم
 واجب مسئله خرید بود. چنانچه قبل عرض کردم
 بنظر بنده خوب است در نظامنامه دو قسمت سال را در
 نظر بگیرند تا آن منظور وزارت ماله هم تأمین شود یعنی
 نرخ متوسط محسوب شود و آن دو موعده فروردین و
 آبانماه است که درشور اول هم عرض کرده‌ام.

ولیر ماله - در قسمت اول فرمایشات آقا بنده
 جوابی ندارم جز اینکه بگویم خیای متشکرم. در قسمت
 ثانی خوب است اینرا بگذاریم برای موقع تدوین نظامنامه
 و در آن موقع البته هر طور عملی تر و بهتر باشد در نظر
 خواهیم گرفت. شاید هم آن شکلی که پیشنهاد کرده‌اند
 عملی تر باشد و او را اختیار کنیم.

ولیر ماله - آقا بنده عراقی - در ماده سوم نظر آقای ملک مدنی بنده
 متقدم اینکه نوشته شده «تا اول اسفند هر سال تعرفه
 سال بعد تصویب هیئت وزراء خواهد رسید» نرخ
 تعرفه سال بعد در اسفند سال قبل نمی‌توان تعیین
 کرد. در اسفند می‌توان جنس همان سال را تعیین
 نمود که او اسفندش است. ولی تعیین نرخ جنس ۱۳۱۴
 را در اسفند ۱۳۱۳ کردن گمان میکنم عادلانه باشد.
 خواستم بدانم آقای وزیر ماله در این قسمت چه طور در
 نظر گرفته‌اند؟ در اسفند ۱۳۱۳ مثلا تعیین قیمت جنس
 ۱۳۱۴ را نمودن خوب نیست زیرا اسفند ۱۳۱۳ برای همان
 سال خودش مالک معلوم است نه برای سال بعد.

ولیر ماله - اگر بخواهم بطور یقین قیمت پک
 جنسی را تعیین کنیم باید سیر کنیم در موقع معامله قیمت
 جنس را معلوم کنیم آنهم در هر مورد. برای اینکه
 پک جنسی در دو محل ممکن است با هم تفاوت قیمت
 پیدا کند بنابر زرنگی یکی از طرفین معامله. پس
 ماچار باید از این شکل صرف نظر کنیم و یک شکل عملی
 را در نظر بگیریم و آن دوره دارد یکی اینکه بگذاریم
 سال بگذرد و قیمت اجناس را در مدت سال حساب کنیم
 و صورت برداریم در آخر سال میدانیم قیمت جنس چه بوده
 ولی در آنوقت که سال با آخر رسیده صاحب‌الجنس
 را فروخته و دیگر دنبالش نمی‌توانیم برویم و از عایدات
 صرف نظر خواهد شد. پس ماچاریم کار دیگری بکنیم
 و آن این است که پیش‌بینی کنیم باین ترتیب که از
 روی یک قرائن و ترتیبی تعرفه را تعیین کرده و بنویسیم
 تا در هر مورد مجبور نشویم کتشمکش کنیم و این هم
 بنده تصور میکنم باین اندازه‌هایی که تصور می‌شود
 مشکل نیست. با قدری تفریب و پس و پیش ممکن است
 قبلاً تخمین زد که جنس در سال آینده قیمتش چیست.
 و فراموش هم نکنید که صدسه از قیمت است یعنی
 اگر فرضاً در قیمت جنس یک تومان هم اشتباه شده باشد
 اشتباه در صدسه مالیات خواهد بود نه در مقدار جنس
 و این مقدار کمی میشود و راه عملی غیر از این نخواهد
 داشت. بنده تصدیق دارم که این پیش‌بینی مثل سایر
 پیش‌بینی‌ها قطعی نخواهد بود ولی باید سعی کرد که
 خوب عملی شود.

ولیر ماله - آقا بنده باینکه بانده سوم موافقت دارند قیمت
 فرمایند. (اکثر قیام نمودند) تصویب شد. ماده
 چهارم :
 ماده ۴ - نسبت به بنای مالیات ارضی و دیوار و
 باز خرید خالصگی بنزین ذیل مقرر میگردد :
 الف - از هژدیانی که تا آخر شهریور ۱۳۱۴ ترتیب
 تصفیه حساب مالیات گذشت خود را طبق نظامنامه‌های
 وزارت ماله ندهند بدهی تا آن تاریخ و جریمه معادل
 ربع بدهی علاوه بر جریمه قانونی گرفته خواهد شد.
 ب - از صاحبان خالصجات انتقالی که مال خود را

تا آخر اسفند ۱۳۱۴ مطابق نظامنامه‌های وزارت ماله
 باز خرید نکنند قیمت مثال علاوه بر جریمه‌ای معادل ربع
 آن وصول خواهد شد. مفاد قوانینی که مخالف با
 مقررات این قانون باشد ملغی است. نظامنامه‌های وزارت
 ماله میتواند اصولی برای تخفیف در جرائم مذکور در
 قسمت الف و ب ایجاد نماید.
ولیر ماله - آقا بنده

طیابعلیایی دیبا - در قانون خالصجات انتقالی تصریح
 شده است که صدسه این موضوع میشود و ماچی را
 صاحبان خالصجات انتقالی باز خرید میکنند بدهی
 است این قانون تا آخر اسفند ۱۳۱۴ حقیقتاً اجرا میشود
 یعنی املاکی که خالصه انتقالی و غیر انتقالی است دیگر
 مالیات ارضی ندارد حتی خالصجات انتقالی هم دیگر
 آصدی سهونیم را ندارد حالا در عمل بنده میدانم که
 وزارتنامه چه خواهد کرد؟ حالا تا آخر اسفند ۱۳۱۴ پک
 کسی خالصه انتقالی دارد باز خرید این صدسه و بنیم موضوع
 میشود یا موضوع نمیشود؟ در صورتیکه موضوع میشود
 مالیاتی اصلاً نداشته تا موضوع شود. این را خوب است
 توضیح بدهند که در عمل اسباب اشکال نشود.

مخیر کمسیون قوانین ماله - این موضوع را آقای
 ذیبا درشور اول هم در کمسیون فرمودند آقای وزیر
 ماله هم جواب دادند و گمان میکنم خودشان هم قانع
 شده باشند در هر صورت این موضوع را که آقا توجه دارند
 بگوازی قبلاً برای اینکار گذشت و آن قوانین لغو
 شده است. البته قانون خالصجات انتقالی در جای خودش
 صحیح و معتبر است و هر عملی که در آقانون ذکر
 شده معتبر شناخته میشود و این قانون تأثیری در آن
 ندارد. (کافی است)

ولیر ماله - پیشنهادات قرائت میشود.
پیشنهاد آقای ناصر :
 مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی.
 پیشنهاد میکنم بند ب از ماده چهار بطریق ذیل
 نوشته شود. از صاحبان خالصجات انتقالی که تا آخر
 اسفند ۱۳۱۴ ترتیب تصفیه حساب باز خرید مثال ملک
 خود را طبق نظامنامه‌های وزارت ماله ندهند قیمت مثال
 علاوه بر جریمه‌ای معادل ربع آن وصول خواهد شد.

ولیر ماله - آقا بنده ناصر

ناصری - بنده برای توجه آقای وزیر ماله عرض
 میکنم که بند (ب) را مطابق بند (الف) اصلاح کردم
 در بند الف بنویسد : کسانیکه ترتیب تصفیه مالیاتشان را
 ندهند فلا ندر جریمه خواهند داد. در قانون خالصجات
 انتقالی نوشته شده است کسانیکه تا آخر اسفند ندهند
 چه میشود. نظر اینکه نظر ارفاقی نسبت به خالصجات
 انتقالی مثل سایر املاک معلوم است بنده پیشنهاد کردم
 همان نظری که در بند الف داشته‌اند عیناً در بند ب
 بنویسند.

ولیر ماله - بنده در جواب سؤال مقدران عرض
 میکنم که آن چیزی که ما نوشته‌ایم همان معنی را
 میدهد اگر مقصودتان این است که همان ترتیب عمل
 شود همانطوریکه نوشته‌ایم خوب است و عملی میشود.
ناصری - اگر کسی گفت چرا هر دو را پک جور
 نوشته‌اید چه ۱۱ - ۱۰ . . .

ولیر ماله - نه کسی این ایراد را نمیکند (خنده
 حضار)
ناصری - بنده معذرت میدارم.

ولیر ماله - آقا بنده با ماده چهارم موافقت دارند
 قیام فرمایند. (جمعی قیام نمودند) تصویب شد. ماده پنجم
 ماده ۵ - تاریخ اجرای این قانون را وزارت ماله
 با رعایت فصل بدست آمدن اصول ۱۳۱۴ در هر حوزه
 که منتهی آخر قیام خواهد بود تعیین و قبلاً اعلان
 خواهد کرد.

ولیر ماله - آقای اورنگ
اورنگ - بنده پک مقدمه دارم بعد پک توضیحی.
 بجای مقدمه خواستم تشکری کرده باشم بعد پک توضیحی
 بدهم کرچه تشکر کافی نیست بان معنائی که ما در نظر
 داریم برای الفاء این مالیات. زیرا در موضوع این
 مالیات آنچه را که آقایان نمایندگان ذکر کردند باعتبار
 من کم بود بعلمت این که در غالب از موارد بیجان واقعی
 نیست که اداء مالی الضمیر را کرده باشد و بنابر ذوق

بنده تشکر از هر تسمی بیک وضع خاصی است در مقابل آن نعمت . و بحرف نیست بر این که گفته بود من متشکرم . زیرا خیلی از نعمت ها است که تشکرش از سنج خودش باید باشد . بادم میاید که يك کسی در يك جائی بیان کرده بود خداوند که جسم خوب عطا میکند شکرانه او این نیست که از خدا تشکر کنند که متشکرم از این که چشم خوب بمن دادی . بلکه تشکر این نعمت این است که خوب به بیند با این پرده هائی که چاو چشم است و او را می پوشاند تشکرش این نیست که بگوید من متشکرم بلکه شکرش چشم پوشیدن از عیب دیگران است بازبان خوب مثلا شکرش راست گفتن است نه این که انسان بگوید من تشکر میکنم که زبان دارم . حالا در مقابل این تسمی که برای ما پیش میاید باید برای هر تسمی يك شکل خاصی مردم این مملکت تشکر کنند . بهترین اشکال باعتقاد من این است که هر کس وظیفه خودش را خوب اجرا کند از روی ایمان . و این تشکر از نعماتی است که بدست اعلیحضرت همایونی برای مردم فراهم شده و میشود . يك احصائیه دیدم (که شاید آقایان بهتر از بنده دیده اند) که کسی احصاء کرده بود مدت گذشته را هر يك ماه مصادف و مواحه بوده اند مردم ایران بيك تاسیس جدیدی باشاره و امر اعلیحضرت که هر يك از آن مؤسسات برای حیره اجتماعى این مملکت حقا يك زندگانی جدیدی است از ایجاد کار خیرات و تاسیس مؤسسات مفیده و کارهائی دیگری که لازم نیست من ذکرش را اینجا بکنم . چون آقایان بهتر از بنده میدانند . در باب الفاء مالیات ارضی آقایانی که بیشتر با خك بازی علاقه دارند و من با این که از خك خاکی شده ام ولی ارتباط با خك کمتر دارم ولی ناجائی که دیده ام میدانم که این آقایان حقیقتاً میتلا بوده اند و واقعا میدانم چه نطفی انسان باید اداء کند که آن لطف حاکی از حقیقت تشکری باشد که به پیشگاه اعلیحضرت همایونی باید عرض کرده شود .

و بیشتر اسباب افتخار برای آقای وزیر مالیه است که بدست ایشان و در موقع تصدی ایشان این مسئله ملاحظه شد بنده قناعت میکنم فوائدهش را بر عمرات و آبادی که در آتیه پیش میاید همه مردم از دادن مالیات نجاتی ندارند لکن اشکال تراشی ها که در عمل پیش میاید چنان آدم را خسته میکند فرض کنید من در ملکم آبادی میکردم می گفتم ده خروار بفراتان اضافه کرده ام بیائید این اندازه مالیات از من بگیریید وزارت مالیه با اولیاء و کارکنان ایشان باین بیان من قانع نشده و چون از جنس من دروغگو زیاد دیده بودند آدم می گماشتند که این جارا کر و پیهان کند . آن هم يك تخم جنی مثل من تخم جن بود این آدم از آسمان که نیامده بود در موقع گرد پیهان مشاجره میشد و این مشاجره چنان خاکی را می آورد . حالا این مالیات از بین می رود و آن محصولی که می آید دم دروازه مالیاتش را میدهد دیگر نمیگوشند آت زدم سن زده چهارم شد . آت ارضی سهاری چه وجه این جنس است دم دروازه و انسانی وارد کرده و مالیاتش را میدهد و همین مقدار قناعت میشود . اما توضیحی که میخواهم از آقای وزیر مالیه . اگر بگویم نهی فهم آقای وزیر مالیه میفرمایند دو مرتبه گفته ام و اگر بگویم خلق لله نهی فهمند میگویند چهارم و کالت از طرف آنها داری زیرا خودشان بهتر اثر میفهمند و توجه دارند بهر حال بادم میاید ماده تنظیم فرموده بودید که تاریخ اجرای این قانون حالا اینطور نوشته شده که (تاریخ اجرای این قانون را وزارت مالیه با رعایت فصل بدست آمدن محصول ۱۳۱۴ در هر حوزه که مقتضی آخر بر ماه خواهد بود تعیین و قبلا اعلان خواهد کرد) ماده سنی اینطور بود که مالیاتهای نوع این محصول از قبل تصدی و غیره ممکن بود که اول عید با قبل از عید گرفته شود مثلا طاحونه بنده خریدارم از همدان که طاحونه را فقط فقط میگیرند . یعنی يك طاحونه را نمی بردند يك دفعه بنفصد نوسان یا در وقت

تومان ازش بگیرند همین طور ماه به ماه از این طاحونه قسط میگیرند . مثلا در برج اسفند یا بهمن میبرند و قسط مالیات میگیرند . حالا این ماده میخواستم بدانم مقصود را تأمین میکند یا نمیکند . اگر تأمین میکند که بفرمایید تا مطالب تمام شود . يك عرض دیگری هم خواستم در پایان عرایض عرض کنم که خلیل آقای وزیر مالیه تعجب نکنند چرا دلایل این است که آنها اصول خوانده اند بهتر از من . در اصول مبعوثی است که قومی میگویند در بیا قصد این است که از حالا تا هر وقت که هستی بیا . یعنی از حالا تا حیره داری می توانی بیائی . قومی میگویند نه این که گفته اند بیا یعنی از حالا تا غروب آفتاب بیا (اگر روز گفته اند بیا) و الا نه وقتی که راجع باین بیا این قدر متناقشه و غوغا میشود بین فضلا و اصولیون و این مسئله محل اینلا است آنوقت برای کسانی که اصول نخوانده اند غوغا زیاد تر میشود و اختلاف پیدا میشود پس برای رفع اختلاف اگر چهار مرتبه ما آنها را زحمت میدهیم تحمل بفرمائید و توضیح بدهید .

وزیر مالیه - راجع به توضیحی که خواستند خلاصه عرض میکنم شاید اگر جناب عالی این توضیح را نخوانسته بودید و بنده عرض نمیکردم کلیه اقساطی که راجع سال ۱۳۱۴ باشد آنها دیگر گرفته نخواهد شد شاید محل حرفی باقی می ماند و ممکن بود بعضی ها ملتفت نشوند ولی تصور میکنم با این توضیحی که داده میشود جای نگرانی باقی نباشد . حالا این توضیح کافی است یا خیر .

اورنگ - بنده فهمیدم کافی است .
رئیس - آقایانیکه با ماده پنجم موافقت دارند قیام فرمایند (جمعی قیام نمودند) تصویب شد مذاکره در کلیات آخر است آقای مؤید احمدی

مؤید احمدی - بنده يك موضوعی را میخواستم فقط تذکر بدهم . اغلب آقایان هم که امالی ولایاتند از این موضوع سابقه دارند . در خارج هم به آقای وزیر مالیه عرض کردم . اغلب شهر های ایران دهات حومه

مخصوصاً دهاتی که دور شهر واقعند در کرمان این طور است شنیدم در ساوه و قس و کاندان هم همینطور است و رعایائی که اطراف شهر زراعت می کنند و سکن شان در خود شهر است باصطلاح کنگه آنها در خود شهر است . در کرمان ما اینطور است این دهات در اول محصول از کل محصول مثلا حسن آباد یا طهماسب آباد و یا دهات دیگر چهار هزار تن بفرش است و مقداری هم باسب خرج قنات از خرج مجزی میکنند اربابهای جزه و روی هم میکنند و می آورند انبار میکنند . آنوقت خرج قنات را در هوائی که مقرر کار میکند حواله میکنند که از انبار گرفته و خرج قنات شود . بنده را هم در میزان می برد در ده و زراعت می کند . اگر چه آقای وزیر مالیه فرمودند آلهائی که برای مصرف وارد نمیشود ممکن است استثنا کنند لکن بنده تذکر این بود که در نظامنامه در نظر داشته باشند که بفر و خرج قنات اولیاک محصول این مالیات نشود .

وزیر مالیه - مذاکرات آنها را البته در نظر خواهم گرفت و رعایت خواهم کرد .
رئیس - آقای دکتر طاهری .

دکتر طاهری - بنده اولاً تبریک میگویم به آقای وزیر مالیه که موفق شدند در زمان وزارت مالیه شان این قانون مفید را بتصویب مجلس رسانند و حقیقتاً این برای استفاده زارعین و خرده مالک و فلاحین است و نیز بخودمان یعنی بنده ایندگانی که افتخار حضور در این مجلس و شرکت در این قانون را دارند باید تبریک گفت . در حقیقت جای مسرت است که ما در این دوره در این جا این قانون را کفرانیدیم و يك مالیاتی که زحمتش چندین برابر فائده اش است لغو شد و در حقیقت همه این تشکرات منوط به بکنفر است و آن شخص اعلیحضرت همایونی است که منشأ تمام این مصالح و ترفیحات است (صحیح است) این همه آوازه ها از شه بود . این وظیفه همه است که عرض کردم اما عرضی که داشتم برای تذکر . در این

قانون هیچ چیزلی جای انکرای نیست مگر در موضوع که آقای وزیر مالیه باید خیلی این در موضوع را رعایت کنند یکی موقعی که نظامنامه را تنظیم میکنند مسئله طرز گرفتن است که در شوراول هم عرض کردم که اگر چنانچه این فئده رعایت شود خیلی خوب است و عده فرمودند حالا هم عرض می کنم که باید این را در نظر بگیرند یکی هم موضوع قیامات است که آنرا هم باید در نظر بگیرند که دعوات کوچک را مستثنی کنند و قسبه حساب نکند این در موضوع را خواستم تذکر بدهم خدمتتان بعضی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .

رئیس - مختصر توضیحی هم آقای انتشار دارند بگویند و تمام شود . آقای انتشار
میرزا حسینخان افشار - مطابق پیشنهاد بنده و آقای دکتر فرار شد که ماده اول این قانون تغییر پیدا کند و نوشته شود که قانون مالیات ارضی و دواب الفاء میشود ولی همچو اسمی ما در قانون نداریم یعنی مطابق قانونی که در بیستم دیماه ۱۳۰۶ شمسی تصویب شده است اسم قانون قانون املاک اربابی و دواب است و برای این که اشتباه نشود خوب است نوشته شود قانون مالیات املاک اربابی و دواب . این جمله اگر اضافه شود بهتر است .

وزیر مالیه - بنده میپرسم آقا تصور میکنید که بجای آن ما چه قانونی را الفاء خواهیم کرد ؟

رئیس - آقایانیکه با مجموع این قانون موافقت دارند ورقه سفید خواهند داد
 (اخذ آراء بعمل آمده ۹۷ ورقه سفید تعداد شد)
رئیس - عدد حاضر در موقع اعلام رأی ۱۰۲ نفر با کثرت ۹۷ رأی تصویب شد .

۴- شوراول خبر راجع به قرارداد بین المللی انومبیل رانی
رئیس - خبر از کمیسیون خارجه راجع بقرار داد بین المللی انومبیل رانی اراک است میشود

خبر از کمیسیون خارجه به مجلس مقدس شورای ملی کمیسیون امور خارجه در جلسه سوم آذر ماه ۱۳۴۳ لایحه نمره ۲۹۸۹۹ دولت راجع بقرار داد بین المللی انومبیل رانی را با حضور آقای وزیر داخله مورد مطالعه قرار داده و با الحاق دولت شاهنشاهی بقرار داد مزبور موافقت حاصل شد و اینکه ماده واحده ذیل را برای شور اول تقدیم مینماید:

ماده واحده - مجلس شورای ملی الحاق دولت ایران را بقرار داد بین المللی انومبیل رانی که مشتمل بر ماده ماده است و در تاریخ ۲۴ آوریل ۱۹۲۶ در پاریس از طرف نمایندگان دولت شاهنشاهی باضاء رسیده تصویب می نماید .

رئیس - نه ماده واحده و نه بنده ماده که ماده واحده یا متذکر است اعتراض فرسیده . آقایانیکه بورد در شور دوم این لایحه موافقت دارند قیام فرمایند

(اکثر بر خاستند) تصویب شد .
۴- تصویب لایحه اصلاح قانون مالیات بر عایدات
رئیس - خبر کمیسیون قوانین مالیه راجع باصلاح قانون مالیات بر عایدات . شور دوم .

خبر از کمیسیون قوانین مالیه به مجلس مقدس شورای ملی کمیسیون قوانین مالیه در جلسه ۲۰ آذر ماه ۱۳۴۳ لایحه نمره ۳۵۵۹۳ دولت راجع باصلاح قانون مالیات بر عایدات را با حضور آقای وزیر مالیه برای شور قانی مطرح نموده پیشنهاد های آقایان نمایندگان محترم را نیز تحت شور و مطالعه قرار داده و با اصلاحاتی خبر آراء برای تصویب مجلس مقدس تقدیم مینماید .

ماده ۱ - از مجموع عایدات خالص سالانه قانون اخیر مالیات بر عایدات تصویب ۲۹ آبان ۱۳۴۲ در صورتیکه سالانه از (۲۴۰۰) ریال بیابالابد طبق مقررات ذیل مالیات اخذ خواهد شد :

۲۴۰۰	تا	۵۰۰۰	ریال يك در صد از مجموع
۵۰۰۱	تا	۱۰۰۰۰	۱/۱۰
۱۰۰۰۱	تا	۲۰۰۰۰	۲/۱۰
۲۰۰۰۱	تا	۳۰۰۰۰	۳/۱۰
۳۰۰۰۱	تا	۵۰۰۰۰	۳/۱۰
۵۰۰۰۱	به بالا		۴/۱۰

تبصره ۱ - مالیات صاحبان مغایلیکه عایدات خالص سالانه آنها ۲۴۰۰ تا ۳۶۰۰ ریال است بطور مقطوع معین خواهد شد .

انتقال بهر نوع کسب و تجارت و معاور کلی عملیات صنعتی یا تجاری محتاج بداشتن جواز است مگر در مورد کسانی که عایدات خالص سالانه آنها کمتر از ۲۴۰۰ ریال باشد .

نظامنامه جواز بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی خواهد رسید .

تبصره ۲ - عایدات املاک و خالصجات انتقالی و مستغلات مدهول این قانون نخواهند بود .

رئیس - آقای دیبا

طباطبائی دیبا - این تبصره يك در لایحه دولت نبود در کمیسیون قوانین مالیه ظاهراً بنا به پیشنهاد آقای دکتر طاهری علاوه شد آقای وزیر مالیه هم قبول کردند ولی بنده عقیده ام این است که لایحه دولت بهتر بود اینجا در تبصره يك تصریح میشود که از صاحبان مستغلاتی آخر بطور مقطوع مالیاتی گرفته خواهد شد یعنی باینجا جواز خواهند داد بطور مقطوع بنده عقیده ام این است که اشکالی که در مالیات بر عایدات بود اینها نبود بلکه يك اختلافاتی بود که غالباً بین مؤدیان مالیات و مأمورین مالیه موجود بود در حد نصاب و مبلغ و مقدار مالیات و مؤدی مالیات میگفتند که عایدات من بعد نصاب فرسیده مأمور مالیه اظهار میکنند که رسیده است یا اینکه میگفتند عایدات من فلانقدر است مأمور میگفتند زیاد تر است اشکال در همینجا بود البته در موقع عمل تا امروز هم آقای وزیر مالیه سعی کرده اند و این اختلافات را بوسیله کمیسیون و يك ترتیبات دیگری برداشته اند و من بعد هم اختلافات کتر خواهد شد حالا با وجود این جواز دادن بطور مقطوع عقیده ام این است که در مقام عمل قدری ممکن است دچار اشکال شود و هیات لایحه دولت که این تبصره را نداشت بهتر است يك عرض دیگر هم داشتم که تقاضا دارم آقای وزیر مالیه توجه فرمایند و آن این است که صاحبان عایدات در مملکت دو قسمند حقیقاً يك قسمت کسانی هستند که عایداتی دارند نه از روی سرمایه بلکه از روی دسترنج و زحم خودشان و سرمایه ندارند بنا - نجار خیاط - آهنگر - اینها سرمایه ندارند عایداتی که پیدا میکنند با دسترنج خودشان است این يك قسمت از مردم قسمت دیگری هم هستند که با سرمایه خودشان يك عایداتی را تحصیل میکنند مثلاً فلان شخص سرمایه زیادی دارد در صنعت خود گذاشته با دربانك گذاشته و صدی بیست و چهار منفعت میدهد این شخص با آن شخصی که با دسترنج خودش يك عایدی پیدا کرده تفاوت دارد البته مالیات بر عایدات چنانچه مکرر در

- اعضای رأی دهندگان - آقایان : دکتر سنک - طباطبائی - دبیر سرایی - احتشامزاده - حاج محمد رضا بهرانی - محمد زبانی - قراقرزولو - جرجانی - مزدی - ساکینیان - همیر نیور - محیط - حمیری - طهرانی - بختیار - طهرانی - دکتر شیخ دکتر امیر اعلم - تقی الاسلامی - هزار جریبی - دختی - لاریجانی - مؤید احمدی - اورنگ - انتشار - میرزا موسی خان سرآت دبستانی - سید کاظم یزدی - دکتر ملک زاده - میرزا طبیبان وکیل - خواجوی - تراب یزدی - میرزائی - اقبسی - آصف - شریفی - دکتر سبچی - مودعی خراسانی - دبستانی - غامری - وهابا - کفائی - دکتر احتشام - قوسی - موم - بیات - اسدی - نیک پور - دکتر طاهری - میرزا محمد خان وکیل - ملک مدنی - مولوی - وهاب زاده - اقبال - حبیبی - محمود تاجی - حاج میرزا حسینخان قاطبی - لطفانی - دکتر ضیاء - دهبانی - فریخت - موم سنک - دولتشاهی - غیر فرستند - کمالی - ارکانی - دلاور - دکتر جرجانی - موسی - کازرونیان - شریعت زاده - حاج فلاح حسین ملک - همراز - میرزا حسن - اسکندری - طاهروی - دکتر قول الخ - مؤید قوامی - بیات ماکو - غیرازی - دکتر لقمان - همدان جهانشاهی - تربیت - طائش خان - طباطبائی دیبا - نجف - وهیری - صفاری - ملک زاده آملی - پناهی - انور - قرشی - ارسا - نازی - کاشف - آقارضا مودعی .

مجلس صحبت شد بهترین مالیاتهای است که عادلانه است چرا چون از عایدی گرفته میشود از شخصی که ندارد در این صورت خیلی فرول است مابین این در قسمت از مردم و اگر در حد نصاب يك فرولی بین این اشخاص میگذاشتیم بهتر بود مثلاً حد نصاب اینها يك قدری زیادتر میشد و بین آنهايي که با دستریج خودشان عایدات پیدا میکنند و آنهايي که با سرمایه خودشان عایدات پیدا میکنند تفکیک میشد بهتر بود این نظر بنده است حالا تا نظر آقای وزیر مالیه چه باشد.

وزیر مالیه - بیاناتی که راجع بقسمت جواز فرمودند بنده درالسنم درست بلهیم و بدانم که جواز چه اشکالی تولید خواهد کرد و اگر اشکالی پیش بیاید وقتی که جواز باشد آن اشکال پیش نخواهد آمد چون اساس بر عایدات است گفتگوی این است شما که ۲۴۰۰ ریال تا ۳۶۰۰ ریال دارید بایستی يك مالیاتی موافق مقررات این قانون بدهید این را ممکن است بطور مقاطعه کنند ممکن است بصورت جواز باشد برای اینکه قدری اشکالاتی کمتر است ۲۴۰۰ ریال است یا ۲۸۰۰ ریال است یا ۳۶۰۰ ریال اینها در تمام فواصل گفتگو دارد ولی وقتی که جواز بطور مقاطعه بود این اشکالات کمتر میشود و جواز يك مبلغ معینی خواهد بود این نظر را گفتند و بنده دیدم که نظر خوبی است و قبول کردم. اما راجع بقسمت دوم از فرمایشاتشان البته مطلبی را که اظهار کردند يك مطلب خیلی اساسی است باین معنی که بین عایدات از حیث ثباتش يك تفاوتی است عایدات کسی که عایداتش از سرمایه است البته قاعده و معمولاً يك عایدات مسلم و ثابت تر از عایدات کسی است که مابا فکر خودش و با کار خودش يك عایداتی را تهیه میکند در صورتیکه ممکن است صاحب سرمایه خودش برود و آن عایدات ازین برود اما صاحب عایداتی که با کار خودش عایداتی پیدا میکند لازم نیست بکلی هم ازین برود کافی است که ناخوشی شود يك مدتی و نتواند این

عایدات را پیدا کند البته این هست همینطور در قسمتهای کار هم ممکن است وقتی دقیق خوب تفاوتی باشد فرضاً يك دخل آزادی و استخدام دولت دخل آزاد ممکن است وقتی درست دولت کفایت ثباتش باندازه وضویت مستخدم باشد برای اینکه راست است که ممکن است مستخدم هم منتظر خدمت خود ولی بازيك عایداتی برای او هست ولی بکنفر وکیل عدلیه بواسطه ناخوشی با عیب و علتی در کارش بپردازد آن عایدات را ندارد حالا ممکن است از این قبیل تقسیمات کرد هر قدر بیشتر دقت کنیم بیشتر منوجه میشود عایدات ولو اینکه بملفاً بکلی باشد از حیث طبیعتش ثباتش کفایتش يك تفاوتی دارد اگر میخواستیم خیلی دقت کنیم و يك مالیاتی که از نقطه نظر علمی خیلی کامل باشد داشته باشیم بایستی داخل این شقوق بشویم و برای هر کدامش يك نرخ علیحده تعیین کنیم و بگوئیم عایداتی که از سرمایه است يك نرخ بیشتری داشته باشد عایداتی که از راه کار است چون ثباتش کمتر است يك نرخ کمتری داشته باشد در بسیاری از امثال این کار را کرده اند تفکیکات و تقسیمات کرده اند حالا چرا با وجود اینکه بنده سابقه هم دارم و میدانم که این قانون را در سایر امثالک چه جور گذاشته اند سعی کرده ام حتی تفکیکاتی که در قانون ۱۳۱۲ هم بوده است آنرا هم بر دارم برای این که در مقابل آن ریزه کاریها يك مشکلاتی هم همیشه در عمل هست هر قدر ساده تر باشد قانون اجرائیش سهلتر است حالا وارد این نمیشویم که ببینیم چه قسمت از این عایدات از راه سرمایه است چقدر ناشی از کارش است همچو ساده تصور نکنید حقیقه مشکل است اگر بخواهیم بهمان منطقی که آقای اشاره کردید و بنده هم وارد شده ام اگر بخواهیم بدانیم يك تاجری که يك عایداتی دارد چقدرش واقفاً عایدات از سرمایه اش است و چقدر واقفاً حاصل کارش است همانطور که ممکن است يك کسی سرمایه اش را در يك تجارتخانه بگذارد و هیچ کار هم نکند سرمایه را بصورت سهام يك شرکتی در بیاورد سهام بخرد و عایدات بیش

میدهد و يك مدیر شرکتی از نظر کارش يك عایداتی دارد و يك حقوقی میگردد بالاخره هر دو صفت ممکن است در بکنفر جمع باشد یعنی بکنفری هم مدیر شرکت باشد و عایداتی از این راه دارد و هم يك سهامی در شرکت دارد از بابت سرمایه خودش يك عایداتی پیدا میکند این هم عایدات کار دارد هم عایدات سرمایه خوب اگر ما بخواهیم متعلق آقا را بگیریم چه باید بکنیم باید تفکیک و تقسیم کنیم که چقدر این عایدات مالیاتی ناشی از فکر و عمل خودش است که آقدر ثبات ندارد و چقدر ناشی از سرمایه اش است حالا بنده مثالهای متعدد میتوانم برای آقا بزنم ولی همین يك منلی است که برای آقا ذکر کردم آیا شما را قانع نکرد؟ راست است این شکل ساده و يك نواخت است ولی در عمل کمتر اشکال خواهد داشت مخصوصاً اینکه مردم هنوز داخل بیج و خم هندی این قانون شده اند و نه اینکه ما مورین باندازه که لازم است ورزیده شده اند يك قسمت از اشکالات که تا بحال پیش آمده است و بوسیله متحد المال و دستور عمومی و کلی آمده ایم و رفع کرده ایم برای چه بوده است برای این بوده است که هم مردم چون این مالیات چند سال بیشتر نداشت وضع شده آشنا نیستند و هم ما مورین مالیات بر عایدات که مالیات دقیقی است مالیاتی است که اطلاعات خیلی کافی میخواهد حالا هر قدر بنده بیایم حاشیه بزنم و شقوق را بیشتر بکنم البته مشکلات در عمل بیشتر خواهد بود این بود که با توجه باینکه معمولاً رعایت میکنند و از برای عایداتی که از منابع مختلفه باشد فرق میگذارند معیناً بنده ترجیح دادم که يك شکل ساده يك نواختی بگیریم که هم مردم در عمل گرفتار نباشند و هم ما مورین.

رئیس - آقای طهرانی
طهرانی - همینطور که آقای وزیر مالیه خودشان متوجه هستند و ترجیح دادند که هر چه قانون ساده تر باشد راحت تر میشود اجرا کرد بنده اینجا يك نظری داشتم که در قانون دیدم قیده شده است که از ۲۴۰۰ ریال تا ۳۶۰۰ ریال بطور مقاطعه گرفته شود این البته خیلی خوب است

تصور میکنم حد نصابش کم است اگر این را بالا ببرند بهتر است برای اینکه توجه بفرمایند که چه قسم مردم مشمول اینطور مالیاتها میشوند کسانی هستند که نمیتوان حقیقه عایدات آنها را در خارج بطور مسلم تشخیص داد و حتی اگر بنده نشد يك وقتی حضورتان برسم و عرض کنم در عمل يك اشخاصی مراجعه کرده اند و يك مالیاتهای از آنها مطالبه شده است که حقیقه آن عایدات را نداشته اند مثلاً يك ماست بنده آمده است بگویند از من سی و شش تومان مالیات بر عایدات میخواهند در صورتیکه انقدر تحقیقاً عایدات نداشته است و بنده بطور تحقیق عرض میکنم که در عرض سال یا صد تومان عایدات نداشته است معذالك از او این مالیات را مطالبه کرده اند در صورتیکه آن ماهوری هم که این عایدات را معین کرده است بنده عرض میکنم فرض است لابد يك اشکالی کرده اگر حد نصاب را قدری بالا ببرند بقیده بنده داده هزار ریال بطور مقاطعه باینها جواز بدهند منتوی جوازشان البته فرق داشته باشد يك کسی که معلوم است و میتواند بقرائن فهمید که از ۲۴۰۰ ریال تا پنج هزار ریال عایدی دارد يك جواز کمتری داده شود يك کسی که بیشتر است جواز زیادتری اگر بطور مقاطعه از آنها مالیات گرفته شود هم زحمت ما مورین کمتر است و هم مردم راحت تر هستند بنده يك پیشنهادی هم عرض کرده ام که اگر آقای وزیر مالیه توجه بفرمایند تصور میکنم در عمل راحت تر باشد.

وزیر مالیه - مثالی که آقا زدند یعنی يك ماست بندهی که از من سی و شش تومان مالیات خواسته اند در صورتیکه آن عایدات را نداشته است خیلی ممکن است بنده در اینجا مطلب را قدری واضحتر میگویم برای اینکه بنده اخیراً مانفتن شده ام که با همه دستورهای بعضی قسمتهای مالیه مخصوصاً در ولایات واقعاً متوجه نشده اند این توضیحی که بنده میخواهم بدهم برای این است که همه مردم بدانند مالیات بنده بدانند مالیات بگیرم متوجه بشود مالیات بر عایدات بطوریکه احساس رویش است مالیاتی است که دولت از عایدات خالص بگیرد

پنی يك كسى كه داراى يك عايدات خالصى باشد از آن دولت يك مالياتى مطابق آن نمره كه معين شده است بگيرد بطور آقا دولت كه نمیتواند با رمل و اسلرلاب معين كند اين عايدات را نمیتواند بايد هيئتورى قبول كند آمديم در قانون بگهران و اماراتى را پيش پنى كرديم و كميسيون قوانين ماله معين كرده است آزا ماخذ قرار ميدهم ماله روى آن قرائن و امارات نگاه ميكنند اگر شامبى ماليات بده اظهارنامه داديد و گتيد من داراى اين قرائن و اماراتم پنى خانه من آنقدر كرايه دارد كرايه دكاتم اين است و امثال آن و بعد ماله ديد كه مطابق اينقرائن و امارات و مطابق ترخى كه قانون معين كرده است شما بايد اينقدر عايدات داشته باشيد و شما كمتر گتيد البته آناليات را بايد روى آهراقن معين ميكنند و اگر شما اظهار نامه نداديد و مدت منقضى شد او ميآيد روى آن قرائن و امارات ماليات شمارا معين ميكنند و شما بتوانيد بايك دليلى ثابت كنيد در كميسيون حاضر شويد و ثابت كنيد كه آقا راست است بطور كلى اين قرائن و امارات اينطور حكم ميكنند راست است كه بطور كلى اگر كسى داراى خانه شد كه صد تومان كرايه اش است اينقدر بايد عايدات برایش فرض كرد ولى چيزى كه هست من امسال بخصوص باين دليل اينقدر عايدات نداشتم راست است كه بطور كلى در مسئله معامله قالى قرار بر اين است كه انسان آنقدر قابله برد و من آنقدر معامله كرده ام ولى بازار قالى امسال خراب بود و من اينقدر قابله بدم اين را قانون شما حق ميدهد كه برويد و در آن كميسيون حرفهايتان را بزنيد و آنجا رسيدگى ميكنند متأسفانه بعضى از مأمورين دست ملتفت نشده اند و ما اين اواخر ملتفت شديم كه بعضى از مأمورين خيال كردند هيئتقدر كه روى قرائن و امارات شمارا داراى عايدات فرض كرد و تشخيص داد شما حق نداريد برويد حرف بزنيد بطوريكه يكى از آنها ميگفت خوب است ما پيايم و ام اين را بگذاريم ماليات بر حسب قرائن و امارات براي اينكه سوء قاهم نشود عرض ميكنم كه ما از قرائن و امارات نمى خواهيم ماليات بگيريم از عايدات ماليات مى گيريم ولى انراهم

بگويم كه خدائى ناكرده ماليات بده هاى بد حساب هم خيال نكنند سهولت ميشود كلاه سر دولت گذاشت تا اسى آمد و گتت ما قبول نمى كنيم ولى ناكركسى آمد و مطابق دلالت معلوم كرد كه آن عايدات نراند داشته است و كميسيون هم قبول كرد البته واقفاً مطابق عايداتى كه داشته است از او ماليات گرفته خواهد شد نه باندازه كه قرائن و امارات حكم كرده است اينرا واقفاً بنده توضيح دادم كه اشتباه نشود مثل اينكه يكچنين اشتباه عظيمى را يكى از مأمورين كرده بود يكى از مأمورين با هوش هم بود ولى اشتباه كرده بود البته در مورد يك ماست بندهم ممكن است يكچنين اشتباهى بشود بالاخره اين ادعا و مطالبه بي تناسب هم در اين مملكت اتفاق نمى افتد همه جا اتفاق ميافتد ماله روى يكقرائن ميآيد از شما مطالبه ميكنند نداريد آقا شما برويد ثابت كنيد كه نداريد ما مجبور هستيم كه قرائن را ماخذ قرار بدهيم اما راجع باينكه فرمودند بهتر است اينستائه مقاطعه را ما پيايم و حدش را بالا بريم پنى بجاي اينكه تا ۳۶۰۰ ريال كه الان كميسيون پيشهاد كرده است و من موافقت كردم بگويم فقط مقاطعه تا اين حد قبول ميشود تا ده هزار ريال مثلا اين اشكالش خيلى زياد است آقا براي اينكه مقاطعه پنى چه ؟ اينرا اول بنده ميگويم براي اينكه سوء قاهم نشود و قى كه ۲۴۰۰ ريال تا ۳۶۰۰ ريال شد بايد يكى از دو كار را بكنيم با بايد پيايم حداقل را قبول كنيم كه بنده ايرانى توانم قبول كنم براي اينكه معنايش اين است كه آنكسى كه دو هزار و چهارصد ريال دارد با آنكسى كه سه هزار و شصت ريال دارد يك ماليات بدهد در صورتى كه وقتى مادرا نگاه كنيد مى بينيد ترخى را كه معين كرده قاوت ميكنند پنى دو هزار و چهارصد ريالى بايد حد يك دو هزار و چهارصد ريال را بدهد و سه هزار و شصت ريالى حد يك سه هزار و شصت ريال را بايد بدهد اين را كه گذاشتم براي نظامنامه و نظامنامه كه در كميسيون ميگذرد براي اين است كه در آنجا بنشينيم و بينيم چند اصل را بايد اخذ كرد و بنده از حالا ميگويم نمى توانم نسبت بهمه يكسان قبول كنم بايد يكى از دو كار را كرد با اينكه يك حداقل را بايد

قرار داد و يك حد وسط و آن چند قرائن كه ممكن است پس و پيش بشود آنرا در نظر نگرفت با بايد آمد و بطور كلى حد وسط را گرفت دو قسم هم قرار داد و جواز بدهم اينهم حالا در يك حد كوچكى در فاصله كسى مثل فاصله بين دو هزار و چهارصد ريال تا سه هزار و شصت ريال ممكن است اين كار را كرد ولى تصديق فرمائيد كه اگر بنده مى خواستم حد تصاب را از ۲۴۰۰ ريال تا ۱۰۰۰۰ ريال قرار بدهم اگر فرخا آمديم وسطش را بگيريم و ماليات پنج هزار ريال را ماخذ قرار بدهم البته تمام كسانيكه كمتر از پنج هزار ريال دارند بايد جواز كسانى را بدهند كه داراى پنج هزار ريال عايدات شده اند اگر برعكس خواهيم تمام اين را مطابق دو هزار و چهارصد ريال قرار بدهيم معنايش اين است اشخاصى كه داراى يك عايدات چهار برابر كسانى هستند كه دو هزار و چهارصد ريال دارند باندازه آنها بدهند . مقاطعه در صورتى ممكن است كه فاصله بين اين دو رقم خيلى زياد نباشد حالا بنده هم خيال ميكنم كه آقا هم موافقت فرمائيد كه بهمين ترتيب بگذرد و اين قانون يكى از قوانينى است كه حالا بايد هم عمل بشود هم تجربه بشود هم اصلاح بشود همه جا هم همين كار را کرده اند و پواش پواش هر اصلاحى لازم بوده است كرده اند و هر سال در قانون تمام بودجه بكمست را اصلاح ميكنيم و البته بهتر است كه در عمل اصلاح شود .

طهرانى - مسترد بدارم .

رئيس - آقاى افسر پيشهادى كرده اند .

پيشهاد آقاى افسر :

پيشهاد ميكنم در تبصره ۲ كلمه دو اب بدارم مستلالت اضافه شود .

رئيس - آقاى افسر .

افسر - بنده نمى توانم فرق بگذارم بين عوايدى كه از دو اب حاصل ميشود با از اراضى و املاك در اينها يك ماليات قائل شده اند و براي آنها دو ماليات براي اينكه مقصود از دو اب چيست اگر بره اش است بره اش را ميآورند شهر ماليات ميگيرند و در غير اماليات ميگيرند پشمش را كه بخارج ميرند ميگيرند بجه اش را ماليات ميگيرند پشمش را

حدش را ميآورند بجه اش را ماليات ميگيرند پشمش را كه بخارج ميرند ميگيرند بجه اش را ماليات ميگيرند پشمش را

وزير ماليه - كلمه دو اب را مطابق پيشهاد آقا اضافه بكنيد .

مخبر - قبول ميكنم .

افسر - متشكرم .

رئيس - آقاى اينكه باماده اول موافقت قيام فرمائيد

(اكثر قيام نمودند) تصويب شد . ماده دوم :

ماده ۲ - مواد (۷) و (۱۰) و (۱۳) و (۱۴)

و (۱۵) قانون ماليات بر عايدات مصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ از اول فروردين ۱۳۱۴ ملئى و اين قانون از همان تاريخ بوقع اجرا گذارده ميشود .

رئيس - آقاى كاشف .

كاشف - بنده بدواً از آقاى وزير ماليه متشكرم كه

راجع باصل موضوع ماليات بر عايدات توضيح جاني دادند كه رفع اجحافات بعضى مأمورين و رفع شبهه از مردم بشود . متأسفانه هنوز مردم عادت نكرده اند قانون را بخوانند اغلب اشكال براي همين است . موضوع ماست بندي كه آقاى طهرانى تذكر دادند براي همين است كه ابدأ مردم قانون مراجعه نميكنند و نمى دانند كه آنها حق اعتراض دارند و حق مراجعه دارند و حق شرح دادن دارند حق حساب دادن دارند حق شكايت دارند و البته وقتيكه بى بحق خودشان بر دند پنى قانون مراجعه كردند و دانستند حقوقشان چيست ديگر اين اشكلات نمى شود مگر نسبت با شخصى كه دلایلى را نيخواهند عمداً ارائه بدهند كما اينكه متأسفانه هيئتورى شده است و از همكارهاى خود بنده مدعى شده اند كه دفتر نداريم و البته از تاجر پذيرفته نمى شود كه دفتر ندارد بدهى است وقتى كه دفتر نباشد متأسفانه چيزى جز قرائن و امارات نيست ولى يكچيزى بود كه در خارج هم

به آقای وزیر مالیه عرض کردم و موافقت فرمودند
 در ماده ۸ از قانون یکجمله هست که راجع به شرکتها
 است میگوید که اگر شرکتها عوائدشان کمتر از
 قرائن مصرحه در ماده ۱۷ شد باید مطابق آن قرائن
 بدهند البته با توضیحاتی که آقای وزیر مالیه دادند که
 این مالیات مالیات بر عوائد است این است که اصلاح
 این بود که این جمله آخر ماده که مخالف این معنی
 است حذف شود و پیشنهادی هم از طرف بنده و چند نفر
 از آقایان در این موضوع شده است و تصور می کنم که
 خیلی جق قریبتر باشد چون تاجر مشغول این ماده
 این حق را دارد که اگر عوائدش حقا کمتر از میزان
 مقرر بود استفاده کند در این موضوع هم خواستم
 با تشویقات زیادی که از شرکتها میشود این را هم
 موافقت فرمایند که حذف شود یک پیشنهادی هم تقدیم
 کرده ایم .

وزیر مالیه - پیشنهاد خوانده شود .

(اینطور قرائت شد)

این جایان امضاء کنندگان ذیل پیشنهاد می نمایم
 که در ماده ۲ بعد از رقم ۱۵ عبارت دوم همچنین جمله
 آخر از ماده ۸ اضافه شود . کاشف . بیکپور . وکیلی
 فرشی . طباطبائی . مولوی .

وزیر مالیه - این مسئله را که آقای کاشف
 فرمودند در خارج مجلس هم به بنده فرمودند ایشان
 گفتم پیشنهاد کنید در این ضمن هم فکر می کنیم و
 می بینیم با پیشنهادتان ممکن است موافقت کنیم . در
 ماده ۸ قانون آبان ۱۳۱۲ يك عبارت در مورد شرکتها
 هست می نویسد در هیچ مورد مالیات شرکتها نیایستی
 از مالیات منظور در ماده ۱۷ کمتر باشد و قبکه بماده
 ۱۷ رجوع میکنیم می بینیم مالیاتی که بر حسب قرائن
 تشخیص داده میشود بعبارة اخری بموجب صریح این
 قسمت از قانون اگر يك شرکتی بیاید بگوید
 آقا من این دفتر حسابی رسمی پلمب شده دارم
 (ابراهم عرض کنم همین تنها کافی نیست دفتری
 محل اعتماد باشد که پلمب شده باشد) آقا بگذر
 حسابی دارم و شرکت هستم نگاه کنید عایدات من این
 اندازه نیست که قرائن میگوید آنوقت این قسمت از

تفسیر و تفسیر و اجرای آن يك تجدید نظری بکنند
 زیرا که چون قانون مالیات بر عایدات الاخره روی این
 ماده ۱۷ اجرا میشود یعنی امارات و قرائنی که دالیر
 داشتن عایدات است و یک چیز هالی هم اسم برده شده
 کرایه مغازه کرایه منزل مستخدم انومویل . اما این
 معلوم نیست و در قانون نوشته که اگر کرایه خانه
 ده تومان شد معلوم میشود که چند عایدات دارد یا
 اگر کرایه خانه سی تومان شد چند عایدات دارد
 ماورین مالیه البته همیشه از نظر اینکه میخواهند حفظ
 عوائد و منافع دولت را بکنند همیشه نظرشان آن طرف
 می چربد و این قرائن و امارات را که بقول آقای کاشف
 ضریب برایش معین کرده اند بنظر بنده یک قدری از
 اشکالات که بین مردم و مالیه پیدا میشود روی همین
 است برای اینکه وقتی قرائن و امارات کفایت
 تومان کرایه اش است کرایه خانرا هم چهل تومان
 حساب کنیم این میشود هشتاد تومان دونا کارگر
 دارد آنوقت مطابق حسابهای مالی حساب این بیرون
 می آید که باید پنجهزار تومان عایدی داشته باشد
 البته هودی هم یا این اندازه عایدات ندارد یا یک قدری
 کمتر یا بیشتر این نظریه را بنده ورد نیست اما آنچه که
 در اینجا لازمست گفته شود این است که این قرائن
 و امارات در همه جا تطبیق نمی کند با عایدات خواستم
 جلب توجه آقای وزیر مالیه را بکنم و وقتیکه نظامنامه
 برای این قانون نوشته میشود یکمراجعه بان ماده ۱۷
 قانون سابق فرمایند و تجدید نظر و رسیدگی فرمایند .

وزیر مالیه - چند مرتبه بنده توضیح دادم و خود
 نماینده محترم تصدیق دارند که چاره جز اینکه قرائن
 و امارات را مآخذ قرار بدهیم نیست . این قرائن را
 گذاشتند بجز دولت اولاً خود قرائن را کمیسیون

قوانین مالیه معین میکنند یعنی وزارت مالیه نمی تواند
 هر چیزی را قریبه قرار بدهد یک چیزهای معینی هست
 بعد از آن در هر محل بموجب قانون کمیسیونهای
 تشخیصی که معین میشوند آنها معین میکنند که مثلا
 وقتی کسی در خیابان لاله زار دکانی داشته باشد
 که چهل تومان کرایه میدهد چقدر عایدی باید داشته
 باشد که بتواند این کرایه را بدهد البته همه چیز قطعی
 نیست قریبه و اماره جای سند قطعی را نمیتواند بگیرد
 ولی چاره جز این نیست متنها برای همین مسئله بوده
 است که آوقت آمده اند گفته اند اگر اختلافی بین
 هودی و مالیه پیدا شد یک کمیسیون تشخیص رجوع کنند
 و دلیلی بیاورد که قریبه زیادتر از واقع دوباره اش
 حکم کرده . البته چون همانطوریکه گفتم هنوز بطوری
 که لازمست ماورین هم عادت نکرده اند یا قانون ما
 مجبور شدیم که خیلی تفسیر از برای این قانون
 کردیم و دستور دادیم و اخیراً قرار بر این شده است که
 این قرائن و امارات را از هر محل بخواهند و به بسند
 در هر محل چه جور قضاوت شده یعنی واقفا ممکن است
 در محلی واقفا قدری بیش از آنچه که لازمست بکفرینه را
 دلیل عایدات قرار داده اند ؟ و لکن عرض میکنم اساس
 قریبه و اماره تنها راهی است که ممکن است برای
 مالیات بر عایدات انسان در نظر بگیرد و اگر چنانچه
 واقعی در عمل هست بتدریج رفع شود .

جمعی از نمایندگان - مذاکرات کافی است .
 رئیس - آقایانی که با مجموع قانون موافقت دارند
 ورقه سفید خواهند داد .
 (اخذ و استخراج آراء بعمل آمده ۷۴ ورقه سفید شماره شد)
 رئیس - عدده حاضر در موقع اعلام رأی ۱۰۰
 یا کثرت ۷۴ رأی تصویب شد .

- رئیس - آقای مخبر .
 مخبر - بنده هم قبول میکنم .
 رئیس - آبانیکه ماده دوم را با اصلاحی که آقای مخبر
 و دولت هم قبول کردند تصویب میکنند قیام فرمایند .
 (اکثر قیام نمودند)
 رئیس - تصویب شد . مذاکره در کلیات آخرا
 است . آقای دکتر طاهری .
 دکتر طاهری - بنده میخواستم توجه آقای وزیر
 مالیه را جلب کنم که در ماده ۱۷ قانون مالیات بر
 عایدات که عبارت از تعیین قرائن و امارات است در

۵- موقع دستور جلسه بعد ختم جلسه |
رئیس - آقایان میل دارند که موضوع اوقات
جلسه را تحت مذاکره قرار بدهند ؟ (جمعی از
نمایندگان - خیر باشد برای بعد) جلسه آینده شنبه

اول دی ماه ساعت هفت به ملاز ظهر دستور لایحه اوقاتی
(مجلس ده ساعت و نیم بعد از ظهر ختم شد)
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

الناء مالیات ارضی و دواب

ماده ۱ - قانون مالیات ارضی و دواب از تاریخ اجرای این قانون ملتی و بجای آن بترتیب مقرر در مواد (۲) و (۳) مالیات از عایدات گرفته میشود
ماده ۲ - مالیات از عایدات مذکور در ماده فوق بتدریجی که محصولات ارضی و حیوانات و مواد حیوانی داخله برای مصرف بشهرها یا قصبات وارد و یا از ملکته صادر میشود وصول و از فرار سه در صد قیمت جنسی خواهد بود که وارد شهر یا قصبه و یا از ملکته خارج میگردد هر جنس فقط یک مرتبه مالیات خواهد پرداخت
ماده ۳ - تعرفه مالیات اجناس مصرف داخلی مشمول این قانون بر اساس سه درصد قیمت به تناسب وزن یا تعداد و بطور مقطوع برای هر سال تعیین میگردد
تا اول اسفند هر سال تعرفه سال بعد بتصویب هیئت وزراء رسیده و اعلان خواهد شد مالیات اجناس صدوری بریال قره گرفته میشود نظامنامه اجرائی مواد فوق بتصویب هیئت دولت خواهد رسید
ماده ۴ - نسبت به بقایای مالیات ارضی و دواب و باز خرید متاعی خالصگی ترتیب ذیل مقرر میگردد :
الف - از مؤدیانی که تا آخر شهریور ۱۳۱۴ ترتیب تصفیه حساب مالیات گذشت خود را طبق نظامنامه های وزارت مالیه بدهی تا آن تاریخ و جریمه ای معادل ربع بدهی علاوه بر جریمه قانونی گرفته خواهد شد .
ب - از صاحبان خالصجات انتقالی که متاع ملک خود را تا آخر اسفند ۱۳۱۴ مطابق نظامنامه های وزارت مالیه باز خرید نکند قیمت متاع علاوه بر جریمه ای معادل ربع آن وصول خواهد شد
مذاق قوانینی که مخالف با مقررات این قانون باشد ملتی است
نظامنامه های وزارت مالیه میتواند اصولی برای تحقیق در جرائم مذکور در قسمت الف و ب این ماده قائل شود
ماده ۵ - تاریخ اجرای این قانون را وزارت مالیه با رعایت فصل بدست آمدن محصول ۱۳۱۴ در هر حوزه حکم منتهی آخر ماه خواهد بود تعیین و قبلا اعلان خواهد کرد
این قانون که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه بیست و چهارم آذرماه یکهزار و سیصد و سیزده شمس بتصویب مجلس شورای ملی رسید .
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر

قانون

اصلاح قانون مالیات بر عایدات

ماده ۱ - از مجموع عایدات خالص مشمولین قانون اخیر مالیات بر عایدات مصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ در صورتیکه مالیات از (۲۱۰۰) ریال بیلا باشد طبق مقررات ذیل مالیات اخذ خواهد شد :
۲۴۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال یک در صد از مجموع
۵۰۰۱ تا ۱۰۰۰۰ « یک و نیم درصد «
۱۰۰۰۱ تا ۲۰۰۰۰ « دو در صد «
۲۰۰۰۱ تا ۳۰۰۰۰ « سه در صد «
۳۰۰۰۱ تا ۵۰۰۰۰ « سه و نیم درصد «
۵۰۰۰۱ به بالا چهار در صد «
تبصره ۱ - مالیات صاحبان مشاغلی که عایدات خالص سالانه آنها از ۲۴۰۰ تا ۳۶۰۰ ریال است بطور ملاحظه تعیین خواهد شد اشتغال بهر نوع کسب و تجارت و بطور کلی عایدات صنعتی یا تجاری محتاج به داشتن جواز است مگر در مورد کسانی که عایدات خالص سالانه آنها کمتر از ۲۴۰۰ ریال باشد
نظامنامه جواز بتصویب کمیسیون قوانین مالیه مجلس شورای ملی خواهد رسید
تبصره ۲ - عایدات املاک و خالصجات انتقالی و مستغلات و دواب مشمول این قانون نخواهند بود
ماده ۲ - مواد (۷) و (۱۰) و (۱۲) و (۱۴) و (۱۵) و هر چندین جمله آخر از ماده ۸ قانون مالیات بر عایدات مصوب ۲۹ آبان ۱۳۱۲ از اول فروردین ۱۳۱۴ ملتی و این قانون از همان تاریخ بوقوع اجراء گذارده میشود
این قانون که مشتمل بر دو ماده است در جلسه بیست و چهارم آذرماه یکهزار و سیصد و سیزده شمس بتصویب مجلس شورای ملی رسید .
رئیس مجلس شورای ملی - دادگر